

مقاله اصلی

طراحی مدل پرخاشگری رابطه ای و آشکار کودکان بر اساس: استرس فرزندپروری و خوداثرمندی والدینی مادران با میانجیگری الگوهای ارتباطی خانواده

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۷

خلاصه

مقدمه: هدف این پژوهش طراحی مدل پرخاشگری رابطه ای و آشکار کودکان بر اساس: استرس فرزندپروری و خوداثرمندی والدینی مادران با میانجیگری الگوهای ارتباطی خانواده بود.
روش کار: شرکت کنندگان ۵۴۰ نفر (۲۷۵ پسر و ۲۶۵ دختر) از دانش آموزان ۹ تا ۱۱ ساله مدارس ابتدایی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ به همراه مادرانشان بودند که به روش نمونه گیری در دسترس در پژوهش شرکت کردند. شرکت کنندگان به پرسشنامه های پرخاشگری رابطه ای و آشکار کودکان پیش دبستانی، استرس فرزندپروری (PSI-SF)، خوداثرمندی والدینی دومکا (PSAM)، الگوهای ارتباطی خانواده ریچی و فیتزپاتریک پاسخ دادند. جهت تجزیه و تحلیل آماری داده ها از نرم افزار Spss نسخه ۲۶، نرم افزار Amos نسخه ۲۴ و نیز نرم افزار R نسخه ۴،۰،۲ استفاده شد.

نتایج: یافته ها بیانگر برازش مناسب داده های گردآوری شده با مدل طراحی شده بود. استرس فرزندپروری در پرخاشگری رابطه ای و آشکار کودکان نقش معنی داری دارد ($Z=5,59$). استرس فرزندپروری اثر مستقیم ($-0,160$) معنی داری بر الگوهای ارتباطی خانواده دارد. خوداثرمندی والدینی نقش مستقیمی در الگوهای ارتباطی خانواده ندارد ($Z=1,53$). متغیر خود اثرمندی والدینی با میزان اثر $0,04$ نقش معنی داری بر متغیر پرخاشگری رابطه ای و آشکار کودکان ندارد. الگوهای ارتباطی خانواده نقش مستقیمی در ارتباط با متغیر پرخاشگری رابطه ای و آشکار کودکان دارد. استرس فرزندپروری از طریق الگوهای ارتباطی خانواده ($P<0,05$ و $Z=1,96$) بر متغیر پرخاشگری رابطه ای و آشکار نقش معنی داری دارد. خوداثرمندی از طریق الگوهای ارتباطی در پرخاشگری رابطه ای و آشکار نقش معنی داری ندارد ($P>0,05$). یافته های پژوهش حاضر گامی در جهت تدوین مدل های نظری پیش بین برای پرخاشگری رابطه ای و آشکار کودکان محسوب می شود.

کلمات کلیدی: پرخاشگری رابطه ای و آشکار، استرس فرزندپروری، خوداثرمندی والدینی، الگوهای ارتباطی خانواده

پدیده امیرسیافی^۱

فیروزه زنگنه^{۲*}

ذبیح پیرانی^۳

^۱ دانشجوی دکتری روانشناسی، گروه روانشناسی و مشاوره، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

^۲ استادیار، گروه روانشناسی و مشاوره، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

^۳ استادیار، گروه روانشناسی و مشاوره، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

Email: F-Zanganeh@iau-arak.ac.ir

مقدمه

بخش عمده ای از هر جامعه را کودکان تشکیل می دهند. طی چند دهه گذشته علاقه و توجه به تحول عاطفی-اجتماعی^۱ کودکان افزایش یافته است. پیش از این پژوهشگران بر این باور بودند که مشکلات کودکان ناشی از نارسایی های تحولی آن هاست و این گروه از کودکان مشکلات را پشت سر خواهند گذاشت. بر اساس پژوهش ها حداقل ۵ تا ۱۰ درصد کودکان و نوجوانان سنین مدرسه مشکلات اساسی و پایدار رفتاری یا هیجانی دارند که درصد قابل توجهی از این مشکلات ممکن است تا سال ها بعد ادامه یابد (۱).

بروز مشکلات پرخاشگری از مشکلات مهم در کودکان است (۲). کودکان دارای مشکل پرخاشگری در مهارت های مربوط به کارکردهای شناختی و رفتاری در مقایسه با همسالان سالم مشکلات بیشتری را نشان می دهند که می تواند بر عملکرد وی در ارائه پاسخ های هیجانی، روابط فردی و مهارت های اجتماعی تأثیر منفی داشته باشد (۳). در این زمینه باید به مسایل مهمی که معمولاً در ارتباط با مشکلات همبود با اختلال، از جمله مشکلات اضطرابی اتفاق می افتد توجه شود (۴). مطالعات متعدد حاکی از آن است که اساساً کودکان پرخاشگر، از سوی همسالان خود طرد می شوند، از نظر تحصیلی عملکرد ضعیفی دارند و در معرض خطر بزهکاری در دوره نوجوانی و اخراج از مدرسه هستند (۵). مدل های سیستمی که اثر سیستم اجتماعی اولیه بر کودک و اختلالات روانشناختی بعدی او را مطرح کرده اند، کانون اختلال را در نظام خانواده می جویند. فرد، دچار اختلال نیست بلکه با الگوهای تعامل درون نظام اجتماعی مشکل دارد (۶). از آنجا که خانواده شبکه اصلی ارتباط اجتماعی کودکان را تشکیل می دهد، پس در واقع الگوی تعامل درون خانواده ناکارآمد است و اغلب همان الگوی تعاملی است که در خانواده درمانی هدف تغییر قرار می گیرد (۷).

استرس فرزندپروری نوعی اضطراب و تنش افراطی است که به نقش والد و تعاملات والد - کودک وابسته است (۸). استرس والدگری موجب بروز حساسیت و تحریک پذیری ارتباطی در

والدین نسبت به فرزندان می شود که احتمال بروز مشکلات رفتاری در کودک را ارتقا می دهد (۹). استرس والدگری حاصل اثر تعاملی کنشوری خصوصیات اصلی و آشکار والدین (مانند افسردگی، احساس صلاحیت، سلامت، روابط توأم با دلبستگی با کودک، روابط با همسر، محدودیت ناشی از نقش پذیری یا مادری کردن) با خصوصیات کودک (مانند سازش پذیری، پذیرندگی، فزون طلبی، خلق، فزون کنشی و تقویت گری) می باشد (۸). در این میان ممکن است متغیرهایی در نحوه تأثیر این عوامل نقش داشته باشند که یکی از مهمترین آنها می تواند خانواده و الگوهای ارتباطی در خانواده باشد. دو بعد زیر بنایی گفت و شنود و همنوایی را در الگوهای ارتباط خانوادگی شناسایی کرد (۱۰). در بعد گفت و شنود اعضای خانواده به طور پیوسته و خودانگیخته با یکدیگر تعامل دارند و در بعد همنوایی، ارتباط های خانوادگی به گونه ای است که اعضا را وادار به یکسان نمودن نگرش ها، ارزش ها و باورها می کند و بر حرف شنوی از پدر و مادر و دیگر بزرگسالان استوار است (۱۱).

خوداثرمندی والدین^۲، مجموعه باورهای فرد در مورد نقش خود به عنوان والد است (۱۲). انتظار کارایی، اعتقاد به این است که فرد می تواند رفتار مورد نیاز برای دستیابی به پیامدهایی که به دنبال کسب آنهاست را به خوبی انجام دهد (۱۳). باور به توانایی در تحت تأثیر قرار دادن رفتارهای فرزندان هم معمولاً خوداثرمندی والدین نامیده می شود و هرچه باورهای خوداثرمندی خاص تر باشند، پیش بینی ها در مورد پیامدهای رفتار والد دقیق ترند (۱۴). چون باورهای خوداثرمندی، شناخت هایی هستند که فرد را برای انجام فعالیت برمی انگیزند و به انتخاب رفتار سوق می دهند. این باورها باعث پایداری و مقاومت در برابر دلسردی ناشی از شکست گذرا می شوند (۱۵). هر چه خوداثرمندی والدین بیشتر باشد، رفتارهایشان هم مثبت تر خواهد بود و این ارتباط برای انضباط آموزی با تنبیه بدون خشونت و انضباط آموزی منطقی، مشارکت و نظارت والدین و پاسخگویی و گرمی آنها در مواجهه با نوزادان، کودکان و

² Parenting Self-Efficacy¹ Emotional-social transformation

طراحی و ساخته شده است (۱۸). نسخه کوتاه آن ۳۶ سؤالی می باشد. پاسخ به این پرسشنامه طبق طیف لیکرت پنج درجه ای از ۱ تا ۵ امتیازبندی می شود. این شاخص دارای سه خرده مقیاس آشفستگی والدین، ویژگی های کودک مشکل آفرین و تعاملات ناکارآمد والد - کودک است. خرده مقیاس آشفستگی والدین، احساس - تنش والدین در خصوص فرزندپروری را برحسب استرس های شخصی دیگر اندازه می گیرد. خرده مقیاس ویژگی های کودک مشکل آفرین نشانگر رفتارهای کودکان است که باعث آسان تر یا مشکل تر شدن فرزندپروری می گردد. درنهایت، خرده مقیاس تعاملات ناکارآمد والد - کودک به انتظارات والدین از کودکان می پردازد که رفتار کودک تا چه حد رفتار فرزندپروری را تقویت می کند (۱۹). ضریب قابلیت اعتبار و اعتماد همسانی درونی از طریق محاسبه آلفای کرونباخ برای مقیاس در یک گروه ۵۳۴ نفری از والدین ساکن در منطقه ویرجینیای آمریکا ۰/۹۵ به دست آمد. این ضریب در قلمرو کودک ۰/۸۹ و در قلمرو والد ۰/۹۳ بوده است (۸). شیرزادی و همکاران (۱۸) در پژوهش خود آلفای پرسشنامه را بین ۰/۵۹ تا ۰/۸۶ گزارش کردند. **پرسشنامه خوداثرمندی والدینی دومکا:** پرسشنامه خوداثرمندی والدینی توسط دومکا در سال ۱۹۹۶ معرفی شده است. این آزمون کارایی و ناامیدی والدین را هنگام مواجهه با موقعیت های کودک، توانایی حل تعارضات والد - کودک و تلاش و مقاومت شان را در والدگری ارزیابی می کند. این پرسشنامه شامل ۱۰ سوال است و پاسخ به این پرسشنامه طبق طیف لیکرت هفت درجه ای از ۱ تا ۷ امتیازبندی می شود. دومکا^۱ و همکاران همخوانی درونی این مقیاس را در مادران انگلیسی زبان که سطح اقتصادی متوسطی داشتند با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۰ گزارش کرده اند (۲۱). برای استفاده از آن پژوهش طالعی و همکاران ابتدا به زبان فارسی ترجمه، سپس به منظور بررسی روایی صوری آن در اختیار ۳ نفر از اساتید گذاشته شد و بعد از تصحیح آن، روی یک نمونه ۲۵ نفری از

نوجوانان نشان داده شده است (۱۶). در مقابل والدین دارای خوداثرمندی پایین در معرض ناکامی، استرس و افسردگی قرار دارند (۱۷). با توجه به اهمیت بسیار زیاد دوره کودکی و حساسیت هایی که این مرحله از زندگی هر فرد دارد و اهمیت ویژه ای که آینده کودکان برای هر جامعه ای دارد، این پژوهش قصد دارد به بررسی برخی از عوامل محافظت کننده و خطرناک در زمینه پرورشگری کودکان بپردازد تا بتوان با شناخت عوامل دخیل و زمینه ساز این مشکلات، پیشنهادها و توصیه هایی در جهت فرزندپروری مؤثرتر و پیشگیری از آسیب های جبران ناپذیری که ابتلا به مشکلات رفتاری و هیجانی به زندگی اکنون و آینده کودکان وارد می کند، ارائه داد. این پژوهش در صدد پاسخگویی به این سؤال می باشد که آیا استرس فرزند پروری و خود اثرمندی والدینی مادران با پرورشگری رابطه ای و آشکار کودکان از طریق میانجی گری الگوهای ارتباطی خانواده رابطه علی دارند؟

روش

این پژوهش یک پژوهش همبستگی و از نوع معادلات ساختاری بوده است. جامعه آماری مورد مطالعه شامل تمامی ۲۵۷۱۴۲ دانش آموزان دختر و پسر ۹ تا ۱۱ ساله (پایه سوم تا پنجم) مدارس ابتدایی مناطق بیست و چهارگانه شهر تهران به همراه مادرانشان بودند. تعداد نمونه با در نظر گرفتن متغیرهای موجود در این پژوهش ۴۲۳ نفر برآورد شد. روش نمونه گیری در این پژوهش، نمونه گیری در دسترس بود که بر این اساس تعداد ۵۴۰ دانش آموز به همراه مادرانشان به عنوان نمونه پژوهش انتخاب گردیدند. پرسشنامه از طریق لینکی که تهیه شده بود در دسترس معلم ها و مدیران مدارس ابتدایی و گروه های مجازی مربوط به مدارس و انجمن های اولیا و مربیان و گروه هایی که مشخصات جامعه هدف را دارند قرار گرفت و از آنها خواسته شد تا به پرسشنامه های الگوهای ارتباطی خانواده، استرس فرزندپروری، خوداثرمندی والدینی و پرورشگری رابطه ای و آشکار کودکان پاسخ دهند. ابزار به کار رفته در این پژوهش عبارت بودند از **پرسشنامه استرس فرزند پروری:** توسط آبییدین به دو فرم بلند و کوتاه در سال های ۱۹۸۳ و ۱۹۹۵

¹ Dumka, L. E.

ای و واکنشی کلامی به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۹۰، ۰/۸۲ گزارش کردند (۲۶). جهت تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها از نرم‌افزار Spss نسخه ۲۶، نرم‌افزار Amos نسخه ۲۴ و نیز نرم‌افزار R نسخه ۴,۰,۲ (بسته‌های PerformanceAnalytics، psych، semPlot، lavaan و mvnrmtest) استفاده شده است که شامل دو بخش آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار و شکل توزیع داده‌ها) و آمار استنباطی (مدل معادلات ساختاری از نوع مدل معادلات ساختاری از نوع متغیر مکنون) می‌باشد.

نتایج

اطلاعات جمعیت شناختی نمونه مورد مطالعه عبارتند از: جنسیت (۲۷۵ نفر از شرکت کنندگان در پژوهش پسر و ۳۶۵ نفر دختر)، سن (۲۷۷ نفر نه سال، ۱۷۵ نفر ده و ۱۳۸ نفر یازده سال)، پایه تحصیلی (۲۰۸ نفر از شرکت کنندگان در پژوهش در پایه سوم، ۱۵۵ نفر در پایه چهارم و ۱۷۷ نفر در پایه پنجم)، تحصیلات مادر (۱۸ نفر دکتری، ۶۵ نفر کارشناسی ارشد، ۱۸۸ نفر کارشناسی، ۴۵ نفر کاردانی، ۱۸۲ نفر دیپلم و ۳۱ نفر کمتر از دیپلم) و تحصیلات پدر (۳۵ نفر دکتری، ۷۲ نفر کارشناسی ارشد، ۱۴۲ نفر کارشناسی، ۴۵ نفر کاردانی، ۱۴۵ نفر دیپلم و ۱۰۱ نفر کمتر از دیپلم). تکنیک آماری مورد استفاده در این پژوهش با توجه به نوع تحقیق و همچنین ماهیت فرضیه‌ها، روش مدل معادلات ساختاری از نوع متغیر مکنون کامل بود. در این مدل روابط اندازه‌گیری بین متغیر مکنون و متغیرهای مشاهده شده بررسی می‌شود. علاوه بر این روابط ساختاری بین متغیرهای مکنون نیز مورد بررسی قرار گرفت. ابتدا در پاسخ به سوال اصلی پژوهش مبنی بر اینکه مدل پیشنهادی با داده‌ها برازش دارد، تجزیه و تحلیل صورت گرفت و شاخص‌های برازش مدل ارائه شدند. پس از آن به بررسی سوال‌های پژوهش پرداخته شد. خلاصه نتایج توصیفی (میانگین و انحراف معیار) نمرات شرکت-کنندگان پژوهش در متغیرهای خود اثرمندی والدینی، استرس فرزند پروری (آشفتگی والدین، کودک مشکل آفرین، تعاملات ناکارآمد)، پرخاشگری رابطه ای و آشکار (واکنش کلامی و فزون کنشی، جسمانی و رابطه‌ای) و الگوهای ارتباطی خانواده

مادران دختران ۷ تا ۹ ساله که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند، اجرا شد که ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۰ به دست آمد (۲۲). پرسشنامه الگوهای ارتباطی خانواده ریچی و فیتزپاتریک: این ابزار یک پرسشنامه خودسنجی است که توسط ریچی و فیتزپاتریک در سال ۱۹۹۰ طراحی شده و میزان موافقت یا عدم موافقت پاسخ دهنده را با ۲۶ گویه که درباره وضعیت ارتباطات خانواده وی هستند در دامنه ۵ درجه ای مورد سؤال قرار می‌دهد. نمره ۴ معادل کاملاً موافقم و نمره صفر معادل کاملاً مخالفم است. ۱۵ گویه اول مربوط به بعد جهت‌گیری گفت و شنود و ۱۱ گویه بعدی مربوط به جهت‌گیری همنوایی می‌باشند. روایی محتوایی و ملاکی در نسخه اصلی این پرسشنامه نشان داد که پرسشنامه از روایی محتوایی مطلوبی برخوردار بوده و با نسخه قدیمی پرسشنامه الگوی ارتباطات خانواده مک لئود و چفی و با نمرات پرسشنامه بعد ارتباطی فیتزپاتریک ارتباط معناداری دارد. همچنین، مقدار آلفای کرونباخ در نسخه لاتین برای جهت‌گیری گفت و شنود ۰/۸۹ و برای جهت‌گیری همنوایی ۰/۷۹ گزارش شد (۲۳). در ایران کوروش نیا و لطیفیان نیز پایایی را برای جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری همنوایی به ترتیب ۰/۸۷ و ۰/۸۱ به دست آوردند (۲۴). پرسشنامه پرخاشگری رابطه ای: این پرسشنامه توسط شهیم در سال ۱۳۸۶ طراحی شده و دارای ۲۱ سؤال است که پرخاشگری رابطه ای و آشکار را در کودکان دبستانی می‌سنجد. گویه‌ها نشان دهنده درجات متفاوتی از پرخاشگری است. این پرسشنامه دارای سه مؤلفه پرخاشگری جسمانی (۷ گویه)، پرخاشگری واکنشی کلامی و فزون کنش (۶ گویه) و پرخاشگری رابطه ای (۸ گویه) است. نمره گذاری به صورت طیف ۴ درجه ای لیکرت است. در پژوهش شهیم ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۹۱ به دست آمد و برای خرده مقیاس پرخاشگری جسمانی، رابطه ای و واکنشی کلامی به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۹، ۰/۸۳ به دست آمد (۲۵). همچنین میرزایی و همکاران به منظور تعیین اعتبار این پرسشنامه، ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۹۱ و ضرایب آلفای کرونباخ برای هر یک از مؤلفه‌های پرخاشگری جسمانی، رابطه

(جهت گیری گفت و شنود و جهت گیری همنوایی) در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱. اطلاعات توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	بعد	میانگین	انحراف استاندارد
خود اثرمندی والدینی	-	۴/۷۷	۱/۰۴
استرس فرزندپروری	آشفتگی والدین کودک مشکل آفرین	۲/۶۵ ۲/۵۰	۰/۸۰ ۰/۷۶
پرخاشگری	تعاملات ناکارآمد واکنش کلامی	۲/۷۴ ۱/۷۱	۰/۸۱ ۰/۶۸
الگوهای ارتباطی خانواده	جسمانی رابطه‌ای	۱/۱۱ ۱/۴۴	۰/۳۲ ۰/۵۸
	جهت گیری گفت و شنود	۳/۸۲	۰/۷۷
	جهت گیری همنوایی	۳/۲۵	۰/۸۷

ندارد. مدل ساختاری نقش استرس فرزندپروری و خود اثرمندی والدینی مادران در پیش‌بینی پرخاشگری رابطه‌ای و آشکار کودکان با میانجیگری الگوهای ارتباطی خانواده، پس از بررسی داده‌ها، بهترین مدل برازش یافته با شاخص‌های برازش ذکر شده در جدول ۲ ارائه شده است.

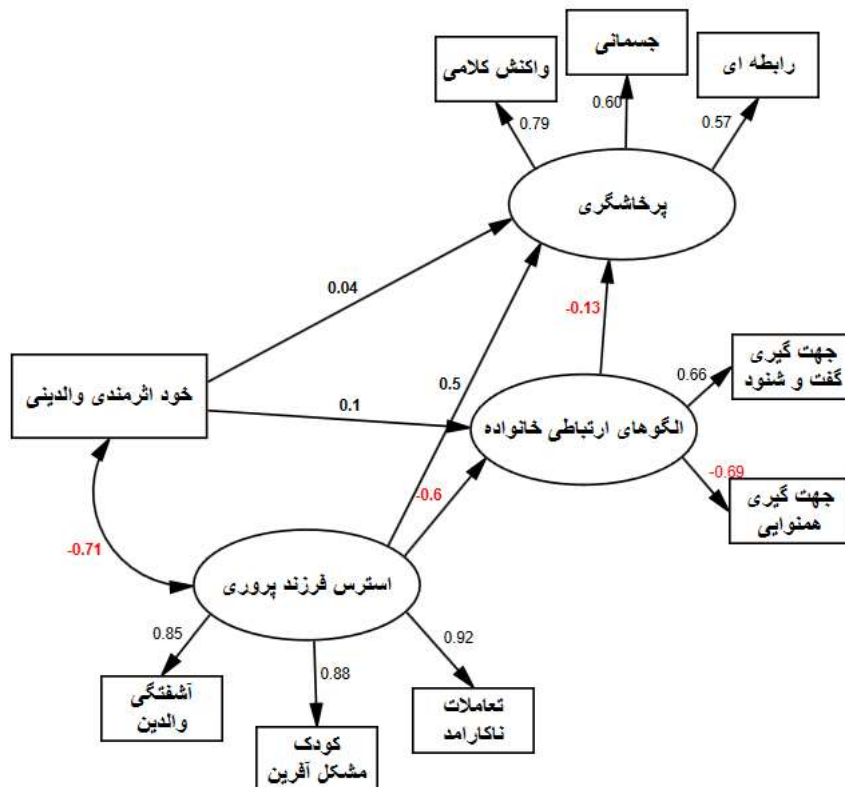
جهت بررسی عدم انحراف از نرمال بودن متغیرهای وابسته پژوهش، از آزمون شاپیرو-ویلکز چند متغیری استفاده شد. نتایج تحلیل نشان داد سطح معنی‌داری به دست آمده در آزمون شاپیرو-ویلکز چند متغیره، بزرگتر از ۰,۰۵ است ($P=0,19$) و $(MvW=0,98)$. در نتیجه با تایید نرمال بودن شکل توزیع داده‌ها، مانعی جهت استفاده از روش مدل معادلات ساختاری وجود

جدول ۲. شاخص‌های برازش مدل تحلیل ساختاری

نام شاخص	مقدار	حد مجاز
نسبت خی دو به درجه آزادی	۲/۸۷	کمتر از ۳
RMSEA (ریشه میانگین خطای برآورد)	۰/۰۶	کمتر از ۰,۰۸
CFI (برازندگی تعدیل شده)	۰/۹۵	بالتر از ۰,۹
NFI (برازندگی نرم شده)	۰/۹۳	بالتر از ۰,۹
TLI (شاخص تا کر لوییس)	۰/۹۴	بالتر از ۰,۹
IFI (شاخص نیکویی برازندگی)	۰/۹۵	بالتر از ۰,۹

پژوهش بلا مانع است. مدل استاندارد شده نیز در شکل ۱ ارائه شده است.

مقدارهای بدست آمده برای این شاخص‌ها نشان می‌دهد که در مجموع الگو در جهت تبیین و برازش از وضعیت بسیار مناسبی برخوردار است و بنابراین آزمون سوال‌های فرعی



شکل ۱. مدل ساختاری پژوهش با ضرایب استاندارد شده

از آماره Z، و مدل اعداد معناداری یا همان P-Value استفاده شده است.

در ادامه با استفاده از نتایج بدست آمده در مدل پژوهش به پاسخگویی به سوالات پژوهش پرداخته شده است. لازم به ذکر است برای درک اینکه آیا رابطه بین متغیر معنادار است یا خیر،

جدول ۳. ضرایب و معنی داری اثرات مستقیم و غیرمستقیم

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	متغیر میانجی	اثر	Z	p
الگوی ارتباطی خانواده	استرس فرزند پروری	-	-۰/۶۰	-۷/۶۳	۰/۰۰۱
	خوداثرمندی والدینی	-	۰/۱۰	۱/۵۳	۰/۱۲
	استرس فرزند پروری	-	۰/۵۰	۵/۵۹	۰/۰۰۱
	خوداثرمندی والدینی	-	۰/۰۴	۰/۶۷	۰/۵۰
پرخاشگری	الگوی ارتباطی خانواده	-	-۰/۱۳	-۲/۱۱	۰/۰۳

استرس فرزند پروری	الگوی ارتباطی خانواده	۰/۰۸	۱/۹۷	۰/۰۴
خوداثرمندی والدینی	الگوی ارتباطی خانواده	۰/۰۲	۰/۳۷	۰/۷۱

نقش معنی‌داری در متغیر پرخاشگری نداشت. مضاف بر این متغیر استرس فرزند پروری به صورت غیرمستقیم بر پرخاشگری نقش معنی‌داری دارد ($P < 0/05$). پایایی هر یک از متغیرهای پژوهش با استفاده از روش آلفای کرانباخ محاسبه و نتایج در جدول ۴ ارائه شده است.

همانگونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، استرس فرزندپروری با ضریب استاندارد ۰/۵۰ بیشترین نقش را در تبیین واریانس پرخاشگری دارد. همچنین متغیر الگوی ارتباطی خانواده با ضریب ۰/۱۳- به صورت غیر مستقیم بر پرخاشگری نقش معنی‌داری دارند ($P < 0/05$) ولیکن متغیر خوداثرمندی والدینی

جدول ۱۴. پایایی متغیرهای پژوهش با استفاده از ضریب آلفای کرانباخ

متغیر	بعد	آلفای کرانباخ
خود اثرمندی والدینی	-	۰/۷۸
	آشناگی والدین	۰/۹۳
استرس فرزند پروری	کودک مشکل آفرین	۰/۸۹
	تعاملات ناکارآمد	۰/۹۱
	واکنش کلامی	۰/۸۶
پرخاشگری	جسمانی	۰/۸۱
	رابطه‌ای	۰/۷۹
	جهت گیری گفت و شنود	۰/۸۵
الگوهای ارتباطی خانواده	جهت گیری همنوایی	۰/۸۹

استفاده از ابزارهای پژوهش بود که در این پژوهش به بررسی کفایت مدل ساختاری پیش بینی پرخاشگری رابطه‌ای و آشکار کودکان براساس استرس فرزندپروری و خوداثرمندی والدینی مادران با میانجیگری الگوهای ارتباطی خانواده پرداخته شد. نتایج تحلیل‌های آماری در بررسی مدل ساختاری نقش استرس فرزندپروری و خود اثرمندی والدینی مادران در پیش‌بینی پرخاشگری رابطه‌ای و آشکار کودکان با میانجیگری الگوهای

ضرایب آلفای کرانباخ بدست آمده در جدول ۳-۱ نشان می‌دهد که پایایی هر یک از متغیرهای پژوهش مطلوب ارزیابی می‌شود ($Cronbach's\ alpha > 0/60$) و در نتیجه می‌توان به اعتبار نتایج پژوهش اطمینان کرد.

بحث

هدف کلی پژوهش این بود که به بررسی کفایت و برازش مدل پیشنهادی پژوهش براساس داده‌های تجربی گردآوری شده با

توانایی هایشان اطمینان دارند و قادرند که فرزندانشان را در طی تمام دوران زندگی بدون تنش بالا و با یک روابط گرم خانوادگی هدایت کنند. مادران با خوداثرمندی بالا نظارت بهتری بر رفتارهای اجتماعی کودکان دارند و می توانند مشکلات هیجانی آنان را پیش بینی کنند و برعکس والدین با خوداثرمندی پایین در مواجهه با موقعیت های چالشی با کودکان نتوانند بازخورد مناسبی از خود نشان دهند. این والدین مستعد استرس هستند و معمولاً سطح بالایی از هیجان را تجربه می کنند و نمی توانند در ارتباط با کودک یک والد کارآمد باشند و این امر منجر به پرخاشگری در کودکان خواهد شد.

همچنین تحقیقات نشان می دهد مادرانی که سطوح بالایی از استرس والدینی را تجربه می کنند خود اثربخشی والدینی ضعیفی دارند بدین معنا که احساس می کنند به خوبی از عهده نقش مادری خود بر آیند و قادر نمی به ایفای نقش خود و انجام وظایف خود نیستند. در بررسی عوامل مؤثر بر بروز و تداوم چنین مشکلات رفتاری کودکان، پژوهش هاگز و همکاران (۳۱) نشان می دهد که عوامل خانوادگی از پیشین های قوی بروز مشکلات رفتاری کودکان است و کودکانی که مشکلات رفتاری کمتری بروز می دهند والدینی دارند که رفتارهای والدگری مؤثرتری را به کار میگیرند. از سوی دیگر خوداثرمندی والدینی اشاره به باورها یا قضاوت های یک والد از توانمندی هایش جهت نظم دهی و اجرای یک سری از تکالیف مربوط به والدگری با کودک را دارد. در بیان پیش نیازهای خود اثرمندی والدینی بالا، علاوه بر آگاهی از پاسخ های مناسب در پرورش کودک (دانش و اطلاعات) و شایستگی در توانایی انجام تکالیف والدینی، این باور را که فرزندان شان به صورت اتفاقی پاسخ خواهند داد و اینکه دیگران در محیط اجتماعی شان شامل اعضای خانواده و دوستان حامی تلاش های آنان خواهند بود را نیز مهم قلمداد می کنند. با توجه به اهمیت نهاد خانواده به عنوان یک نظام طبیعی و اجتماعی و اینکه اولین کانونی است که فرد در آن احساس امنیت می کند و مورد پذیرش و حمایت قرار می گیرد، می توان گفت شرایط روانی و رفتاری اعضای آن بویژه والدین اهمیت

ارتباطی خانواده، نشان از برازش مناسب داده های گردآوری شده با مدل طراحی شده داشت. نتایج بررسی شاخص های برازش بدست آمده برای این شاخص ها نشان می دهد که در مجموع مدل در جهت تبیین و برازش از وضعیت بسیار مناسبی برخوردار است. در این راستا می توان به این موضوع اشاره کرد که تاثیر خانواده به عنوان اولین و مهم ترین واحد اجتماعی بر فرزندان امری بدیهی و مشخص است و تردیدی نیست که خانواده به عنوان قوی ترین سیستم بر پایه ریزی و شکل گیری شخصیت و فرآیندهای درونی فرزند تاثیر عمیق و به سزایی دارد و آنها را شکل می دهد. در این زمینه و در همسویی به نتایج یافته های پیشین می توان به مطالعاتی از قبیل بورت و همکاران (۲۷)، برادلی (۲۸)، روستا و سامانی (۲۹) و صادق زاده و سامانی (۳۰) اشاره کرد که به نقش والدین در مشکلات و اختلالات روانشناختی کودکان اشاره می کنند.

در این راستا می توان اظهار داشت، بسیاری از ویژگی های شخصیتی کودک تحت تاثیر شیوه های فرزند پروری پدر و مادر و الگوهای ارتباطی و رفتاری در خانواده است. محیط خانواده با ثبات و گرم باعث ایجاد الگوهای رفتاری مطلوب در کودکان، ایجاد اعتماد به نفس و کاهش مشکلات رفتاری از جمله پرخاشگری کودکان خواهد شد. از طرف دیگر والدین با ایجاد روابط عاطفی سالم و سازنده، ابراز محبت به کودک و با ثبات اخلاقی عاری از استرس می توانند زمینه یک تربیت صحیح را برای کودکان فراهم کنند. و این امر توجه کننده هسته اصلی مدل پیش بینی پرخاشگری رابطه ای و آشکار کودکان براساس استرس فرزندپروری و خوداثرمندی والدینی مادران با میانجیگری الگوهای ارتباطی خانواده است.

مؤلفه دیگر که در این مدل نقش معنی داری دارد، خوداثرمندی والدینی است. به نظر می رسد والدین با خوداثرمندی بالا در به دست آوردن مهارت های موثر والدینی از خود شایستگی های بهتری نشان دهند. این والدین، حمایت گر، گرم و حساس هستند و با نقش خود سازگاری بهتری دارند و در موقعیت های استرس زا مقابله ای فعال از خود نشان داده که این امر منجر به یک رابطه سالم با کودک می گردد، والدین خود اثرمند به

گذار بوده باشد. همچنین پژوهش حاضر در مورد جمعیت دانش آموزان و مادران شهر تهران انجام شد. بنابراین، تعمیم نتایج به سایر گروه‌ها از جمله دانش آموزان و مادران دیگر شهرها و همچنین جمعیت بالینی باید با احتیاط لازم صورت بگیرد. پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران بعدی این پژوهش را در شرایطی که دسترسی حضوری به آزمودنی‌ها وجود داشته باشد تکرار کند نتایج آن را مورد مقایسه قرار دهند. همچنین پیشنهاد می‌شود این پژوهش در شهرها و استان‌های دیگر نیز انجام شود، تا بتواند از قدرت تعمیم دهی بیشتری برخوردار گردد و به این صورت متغیرهایی مانند فرهنگ در نتیجه‌گیری مدنظر قرار گیرد.

بسیار زیادی دارد. در این بین نقش مادر به عنوان کسی که کنترل روابط عاطفی خانواده را به عهده دارد و نیز در بروز و ظهور رفتارهای فرزندان نقش بسزایی دارد، می‌بایستی بیشتر مورد مذاقه قرار گیرد. در واقع والدین با توانمندسازی خود و نیز کنترل استرس فرزند پروری می‌تواند در کنترل اختلالات روانی کودکان از قبیل پرخاشگری موفق باشند. در این بین آنها می‌بایستی بیش از پیش به الگوهای ارتباطی بین اعضای خانواده توجه کنند، و بویژه روابط بین مادر و فرزند باید بر استانداردهای روانشناختی و علمی در حوزه استرس، خودتوانمندسازی و نیز الگوهای ارتباطی استوار باشد. از محدودیت‌های پژوهش می‌توان به این مورد اشاره داشت که عدم دسترسی حضوری به پاسخ دهندگان شاید میزانی در دقت پاسخ به پرسشنامه‌ها تأثیر

منابع

۱. ساطوریان، سید عباس،، طهماسیان، کارینه، و احمدی، محمد رضا. (۱۳۹۵). نقش ابعاد والدگری و رابطه والد- کودک در مشکلات رفتاری درونی سازی شده و برونی سازی شده کودکان. *فصلنامه خانواده پژوهی*، سال ۱۲، شماره ۴۸، ۶۸۳-۷۰۵.
۲. لواف، هانیه، شکری، امید، قنبری، سعید. (۱۳۹۳). نقش واسطه‌ای مدل‌های ارتباطی زوجین در رابطه بین تعارض زناشویی و مشکلات درونی سازی و برونی‌سازی شده دختران، *مجله روانشناسی خانواده*، دوره ۱، شماره ۲، ۱۸-۳.
3. Akcan, A., & Ergun, A. (2019). The effect of an aggressive behavior prevention program on kindergarten students. *Public health nursing*, 36(3), 330-340.
4. Buitelaar, J.K., Smeets, K.C., Herpers, P., Scheepers, F., Glennon, J., & Rommelse, N.N.J. (2013). Conduct disorders, *Eur Child Adolesc Psychiatry*, 22 (Suppl 1):S49-S54 DOI 10.1007/s00787-012-0361-y.
5. Cheah, C., park, S.Y. (2006) . Sout Korean mothers beliefs regarding aggrassion and social withdrawal in preschoolers. *Journal of Early childhood research Quarterly*, 21,61- 75.
6. Pinquart, M. (2018). Parenting stress in caregivers of children with chronic physical condition—A meta-analysis. *Stress and Health*, 34(2), 197-207.
7. Kendal, S., Keeley, P., & Callery, P. (2014). Student help seeking from pastoral care in UK high schools: a qualitative study. *Child and Adolescent Mental Health*, 19(3), 178-184.
8. Abidin, R. R. (2012). *Parenting Stress Index—Fourth Edition (PSI-4)*. Lutz, FL: Psychological Assessment Resources.
9. Barroso, N. E., Mendez, L., Graziano, P. A., & Bagner, D. M. (2018). Parenting stress through the lens of different clinical groups: A systematic review & meta-analysis. *Journal of abnormal child psychology*, 46(3), 449-461.
10. Koerner, A. F., & Fitzpartrick, M. A. (2002). Understanding family communication patterns and family functioning, the roles of conversation orientation and conformity orientation. *Communication Yearbook*, 26, 37- 69.
۱۱. کرمی، جهانگیر، موسی زاده، مهناز، و آهنی، ژاله. (۱۳۹۳). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و تمایز یافتگی با سازگاری اجتماعی بین دانشجویان دختر ساکن خوابگاه، *اولین کنگره ملی روانشناسی خانواده گامی در ترسیم الگوی مطلوب خانواده*، اهواز

12. Benedetto, L., & Ingrassia, M. (2018). Parental Self-efficacy in Promoting Children Care and Parenting Quality. *Parenting - Empirical Advances and Intervention Resources*. Chapter 3, pp (31-57).
13. Bandura, A. (2012). On the functional properties of perceived self-efficacy revisited.
14. Vancouver, J. B. (2012). Rhetorical reckoning: A response to Bandura. *Journal of Management*, 38(2), 465-474.
15. Ornatsky, O., Bandura, D., Baranov, V., Nitz, M., Winnik, M. A., & Tanner, S. (2010). Highly multiparametric analysis by mass cytometry. *Journal of immunological methods*, 361(1-2), 1-20.
16. Jones, T. L., Prinz. R. J. (2005). Potential roles of parenting self-efficacy in parent and child adjustment: A review, *Clinical psychology review*, 25, 341-363.
17. Sanders, M. R., & Woolley, M. (2005). The relationship between maternal self-efficacy and parenting practices: Implications for parent training. *Child: care, health and development*, 31(1), 65-73.
۱۸. شیرزادی، پرستو، فرامرزی، سالار، قاسمی، مسلم، و شفیع، میثم. (۱۳۹۳). بررسی روایی و اعتبار فرم کوتاه شاخص استرس فرزند پروری (PSI-SF). *رویش روانشناسی*، سال ۳، شماره ۹، ۹۷-۱۱۵.
۱۹. فدایی، زهرا، دهقانی، محسن، طهماسیان، کارینه، و فرهادی، فاطمه. (۱۳۸۹). بررسی ساختار عاملی، اعتبار و روایی فرم کوتاه - شاخص استرس فرزند پروری (PSI-SF) مادران کودکان عادی ۱۲-۷ سال. *تحقیقات علوم رفتاری*، دوره ۸، شماره ۲، ۸۱-۹۱.
۲۰. خرم آبادی
21. Dumka, L. E., Stoerzinger, H. D., Jackson, K. M., & Roosa, M. W. (1996). Examination of the cross-cultural and cross-language equivalence of the parenting self-agency measure. *Family Relations*, 216-222.
۲۲. طالعی، علی، طهماسیان، کارینه، و وفائی، نرگس. (۱۳۹۰). اثربخشی آموزش برنامه فرزند پروری مثبت بر خود اثرمندی والدینی مادران. *فصلنامه خانواده پژوهی*، سال هفتم، شماره ۲۷، ۳۲۳-۳۱۱.
۲۳. بیرامی، منصور، و طباطبایی، سید محمد. (۱۳۹۴). پیش بینی سبک های تفکر بر اساس مؤلفه های سبک های فراشناختی. *مجله روانشناسی*، ۱۹، ۸۷-۷۱.
۲۴. کوروش نیا، مریم، و لطیفیان، مرتضی. (۱۳۸۶). بررسی روایی و پایایی ابزار تجدیدنظر شده الگوهای ارتباطات خانواده. *فصلنامه خانواده پژوهی*، ۳(۱۲): ۸۷۵-۸۵۵.
۲۵. شهیم، سیما. (۱۳۸۶). پرخاشگری رابطه ای در کودکان پیش دبستانی. *مجله روانشناسی بالینی روانپزشکی ایران*، ۱۳(۳): ۲۷۱-۲۶۴.
۲۶. میرزایی کوتنایی، فرشته، شاکری نیا، ایرج، اصغری، فرهاد. (۱۳۹۴). رابطه تعامل والد- فرزند با سطح رفتارهای پرخاشگرانه دانش آموزان. *فصلنامه سلامت روانی کودک*، دوره ۲، شماره ۴، ۳۴-۲۱.
27. Burt, S.A., Krueger, R. F., Mc Gue, M., & Iacano, W., (2003). Parent-child Conflict and the Co-morbidity among Childhood Externalizing Disorder. *Journal of Archives of General Psychiatry*, 60, 505-513.
28. Bradley, S. J. (2002). *Affect regulation and the development of psychology*. New York: Guildford.
۲۹. روستا، ذبیح، و سامانی، سیامک. (۱۳۸۹). رابطه ابعاد والدگری و خودگسستگی. *مجموعه مقالات همایش ملی روانشناسی کودک و نوجوان*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
۳۰. صادق زاده، مرضیه، و سامانی، فاطمه. (۱۳۸۹). پیش بینی استرس، اضطراب نوجوانان بر اساس دو بعد مدل فراند و محتوای خانواده. *مجله روش ها و مدل های روانشناختی*، ۱(۲)، ۷۳-۶۱.
31. Huth-Bocks, A.C, Hughes, H.M. (2008). Parenting Stress, Parenting Behavior, and Children's Adjustment in Families Experiencing Intimate Partner Violence. *Journal of family violence*, 23(4), 243-251

*Original Article***Designing a model of relational and overt aggression in children based on: parenting stress and maternal parental self-efficacy mediated by family communication patterns**

Received: 21/09/2021 - Accepted: 18/12/2021

Padideh Amir Sayyafi¹
Firooze Zanganeh^{2*}
Zabih Pirani³

¹ PhD student in psychology,
Department of Psychology and
Counseling, Arak unit, Islamic Azad
university, Arak, Iran

² Assistant Professor, Department of
Psychology and Counseling, Arak unit,
Islamic Azad university, Arak, Iran

³ Assistant Professor, Department of
Psychology and Counseling, Arak unit,
Islamic Azad university, Arak, Iran

Email: F-Zanganeh@iau-arak.ac.ir

Abstract

Introduction: The aim of this study was to design a model of relational and overt aggression in children based on: parenting stress and maternal parental self-efficacy mediated by family communication patterns. Participants were 540 people (275 boys and 265 girls) from 9 to 11 year old primary school students in Tehran in the academic year 1400-1399 with their mothers who participated in the study by available sampling method. Participants answered questionnaires of relational and overt aggression in preschool children, parenting stress (PSI-SF), Domka parental self-efficacy (PSAM), Ritchie and Fitzpatrick family communication patterns. Spss software version 26, Amos software version 24 and R software version 4.0.2 were used for statistical analysis of the data. The findings indicated a good fit of the collected data with the designed model. Parenting stress has a significant role in the relationship and overt aggression of children ($Z = 5.59$). Parenting stress has a significant direct effect (-0.60) on family communication patterns. Parental self-efficacy does not play a direct role in family communication patterns ($Z = 1.53$). The variable of parental self-efficacy with the effect of 0.04 has no significant role on the variable of aggression and overt in children. Family communication patterns play a direct role in relation to the explicit relationship variable of children. Parenting stress through family communication patterns ($P < 0.05$ and $Z = 1.96$) has a significant role on the relational and overt aggression variable. Self-efficacy through communication patterns does not play a significant role in relationship and overt aggression ($P > 0.05$). The findings of the present study are a step towards developing predictive theoretical models for relational and overt aggression in children.

Keywords: Relational and overt aggression, Parenting stress, Parental self-efficacy, Family communication patterns